



صنعت داروسازی «بایدها و نبایدها»

استوار و کارآفرین آن دوره قابل تمجید است به طوری که قبل از افزایش قیمت نفت و ظهور کمپانی‌های چندملیتی، صنعت داروسازی موجب افتخار دست‌اندرکاران پزشکی بوده است. در آن تاریخ با آمدن داروهای خارجی از طریق واردات، رقابت فشرده شده و سیاست حمایت دولت از سرمایه‌گذاری خارجی و احداث صنایع داروسازی چندملیتی موجب رکود توسعه صنایع ملی دارویی شده و عرصه به شدت تنگ می‌گردد. کمپانی‌های خارجی با سیاست تولید چند قلم و واردات تعدادی دیگر از تمام مزیت‌های ممکن بازار بهره‌جسته و پدیده تولید را که در کشور ما غالباً ضررده است، با متورم کردن قیمت مواد اولیه وارداتی اقتصادی ساختند. گزارش‌ها حاکی است که با تحمیل نرخ‌های بالا و ساختگی برای مواد اولیه و داروهای وارداتی حتی کنترل شدید قیمت دارو توسط دولت نیز چاره‌ساز نبوده است. کمپانی‌های خارجی در شرایط قیمت‌های بالا و حاشیه سود بسیار مطلوب توانستند تعدادی از پزشکان سرشناس را در خدمت معرفی داروها قرار داده و از این لحاظ

چالش اصلی صنایع داروسازی کشور ناشی از نبود یک استراتژی مدون و نهایتاً عزم ملی منسجم جهت راهبرد آن است.

در غیاب یک برنامه درازمدت پذیرفته شده نوع نگرش و طرز تفکر مسؤولان بلندپایه همیشه تاثیرگذار بوده و معمولاً در نظام متمرکز، مدیر ارشد با اتخاذ تصمیم نهایی نقش اصلی را ایفا می‌کند. در سالیان گذشته بی‌تردید سکنداران اصلی دارویی کشور بیشترین تاثیرگذاری مثبت و منفی را در نظام دارویی کشور داشته و سناریوی نانوشته را بازی کرده‌اند. دوران سپری شده از عمر صنعت داروسازی هر چند که کوتاه است ولی افت و خیز بسیار زیادی را در هر برهه تجربه کرده و گاهی در اوج و زمانی در سراشییبی سقوط قرار گرفته است که اجمالاً بدان می‌پردازیم:

□ سال‌های آغازین فعالیت صنایع داروسازی

صنعت داروسازی ایران قبل از هر کشوری در خاورمیانه پا به عرصه گذاشته و با مشکلات عدیده آن دوره به سختی ناشناخته‌ها را تجربه نموده است. شک نیست عزم و اراده انسان‌های

روزها جنگ تحمیلی نبود بازار خاورمیانه به دلیل رشد و توانایی صنایع دارویی ایران و فاصله زیاد سایر کشورها، تحت تسخیر صادرات داروهای ایران قرار می‌گرفت.

دهه دوم بعد از انقلاب متأسفانه، یکی از تلخ‌ترین برهه‌ها برای صنایع داروسازی کشور بود، در این دوران مسؤولان بلندپایه سیاسی و دارویی، در گرداب فلسفه‌بافی افتاده و با تحمیل شرایط ارز حمایتی به صنایع داروسازی و در کنار آن تعریف‌های غلط از استراتژیک بودن دارو، طرح ژنریک، نام‌های تجاری، سرمایه‌گذاری خارجی، تولید تحت لیسانس و عدم تامین ارز مورد نیاز برای خرید ماشین‌آلات و نوسازی صنایع و نهایتاً اعمال سیاست‌های تحمیل هزینه‌های درمان به صنایع دارویی از طریق نرخ‌گذاری‌های سخت‌گیرانه، نفس صنعت ملی را بریدند. به طوری که در این دهه از یک‌طرف ماشین‌آلات مستهلک گردید و از طرف دیگر، آن‌چنان ضربات بنیان‌کنی بر صنایع تحمیل شد که نه تنها از زمان عقب ماندیم، بلکه تدریجاً عقب‌گرد و تلاشی صنایع را به چشم می‌دیدیم. در آن برهه شعارهای حمایت از ژنریک، استفاده از سوبسید، نبود رقابت سالم، نام تجاری، قیمت‌گذاری و تقسیم سود توسط شرکت‌های دارویی تازه وارد شده به بورس، امکان نوسازی، رشد و بالندگی را متوقف کرده بود. تجربه این دوره نشان داد که چگونه می‌توان شعار خودکفایی داد ولی وابستگی ایجاد نمود. چگونه شعار حمایت با پرداخت یارانه داد و صنعت را به روز سیاه نشانند. چگونه شعار دانش و پیشرفت داد و عقب‌گرد علمی را تجربه نمود. چگونه شعار کیفیت داد و با تحمیل قیمت‌های پایین و خرید از منابع ارزان سقوط کیفیت را نظاره کرد.

برای خود حاشیه امنیت ایجاد نمایند. در هر حال، روند ویزیت‌ها و پرداخت‌های خارج از حد، آن‌چنان تحریک‌آمیز بوده که بعد از انقلاب با پاسخ کاملاً رادیکال، یک شبه کلیه شیوه‌های حتی درست اطلاع‌رسانی در داروسازی برای سالیان متمادی قفل گردید.

□ بعد از انقلاب

دهه اول بعد از انقلاب با عشق و حمایت از صنایع دارویی و رسیدن به خودکفایی آغاز گردید. با استفاده از دانش محدود بجا مانده از شرکت‌های خارجی، جوانان علاقمند به صنعت ملی در جهت استقلال دارویی کشور سر از پا نمی‌شناختند و خوشبختانه سیاست‌های اقتصادی دولت‌مردان دقیقاً در جهت رشد و بالندگی صنعت داروسازی قرار گرفت. از این رهگذر صنایع ملی با وارد کردن ماشین‌آلات داروسازی از محل ارزهای ارزان قیمت سریعاً نسبت به افزایش ظرفیت‌های تولیدی در جهت خودکفایی اقدام نمودند. متأسفانه، سرعت افزایش جمعیت و رشد نیاز بازار، اجازه بازسازی اساسی صنایع را نداد و فقط بخش‌های تولید گسترش پیدا کرده و توان تولید به خوبی رشد نمود. آن روزها با حمایت بسیار محکم و جانانه دولت خصوصاً مدیران باکفایت دارویی از ابتدا تا انتها، دارو به شکل متمرکز تحت کنترل قرار گرفته و ضمن حفظ بازار در مقابل رقبا و حمایت‌های قانونی، با تخصیص ارز و تدوین برنامه تولید، رشد، بالندگی و شکوفایی صنایع داروسازی به حدی رسید که در جنگ تحمیلی کمترین آسیب از جانب دارو مشاهده شد. شاید بتوان این دهه را هر چند که دوران سخت جنگ بود، ولی دوران شکوفایی و اقتدار صنعت داروسازی نامید. شک نیست اگر آن

چگونه شعار رقابت و پیشرفت داد و با جلوگیری از نام تجاری به دلیل حمایت از ژنریک جلوی هر گونه اطلاع رسانی و رقابت را گرفت.

بالاخره آغاز دهه سوم که طلعه‌های آن از سال‌های ۷۸ آغاز می‌گردد تدریجاً ارزش حمایتی از صنعت حذف گردید. اجازه تولید با نام تجاری داده شد. قوانین سخت‌گیرانه به کیفیت پرداختند و در جهت رشد و بالندگی صنعت، قیمت‌ها تا حدودی منطقی گردید. در این شرایط نوسازی‌ها آغاز و تولید و فرموله کردن داروهای جدید شدت گرفت و رقابت رخ نمود. حالا در این شرایط نیاز به مدیران با اندیشه‌ها و نگرش خاص بود. چنان‌که اگر نگاه مثبت به صنعت و صنعتگر نباشد، بوروکراسی حاکم رمق صنعت را می‌گیرد. اندیشه‌های بلند بزرگان قوم باعث شکوفایی است و این اندیشه حد و مرزی ندارد. مدیر امروزی بلندپایه، شایسته است به آن چنان اندیشه بلند و دانش روزآمد مسلح و مسلط باشد که همیشه قدمی جلوتر از سازمان‌ها بردارد. خوشبختانه شرایط تا حدودی چنین است ولی متأسفانه هنوز استراتژی چشم‌انداز صنایع دارویی تدوین نگردیده و یک مسؤول در خط تصمیم‌گیری می‌تواند این کشتی را به سادگی به گل نشاند. امروز خطرات زیادی صنعت داروسازی، تازه نفس گرفته را تهدید می‌کند. از آن جمله به نکاتی اشاره می‌کنم.

۱- ساین صنعت کوچک است باید هولدینگ‌ها جدی گرفته شوند و هرگز نگذاریم در هولدینگ‌ها تنش ایجاد گردد. زیرا اقدام نادرست در هولدینگ خودبه‌خود تاثیر تصاعدی مثبت و منفی دارد.

۲- قیمت‌گذاری دارو باید سازمان داده شود. قیام و قعودهای ناشی از تنش‌های گاهی شخصی

موجب ضربات هیجانی به شاکله صنعت می‌گردد و از آن باید پرهیز شود.

۳- داشتن سود بالا در صنایع الزامی است. ولی نباید این سود را در اختیار صاحبان صنایع قرار دهیم، بلکه ما در قبال آیندگان مسؤولیم. باید صنعت از این محل نوسازی و بازسازی گردد و سرمایه‌گذاری‌ها ترغیب گردد. با یک نگاه کوتاه مدت به صنایع غربی می‌بینیم، معمولاً کمتر از ۵۰ درصد سود تقسیم می‌گردد و این عامل رشد و بالندگی است.

۴- مالک اصلی صنایع داروسازی ملت ایران است. نباید بگذاریم فرصت‌طلبان، با نفوذ و جهت دادن، نظر پزشکان سرشناس، آینده صنعت ملی ما را با شعارهای حمایت از داروهای فرنگی نابود سازند. یادمان باشد که هزینه نابودی صنعت ملی برای آیندگان کمرشکن خواهد بود.

۵- شرکت‌ها و مدیرانمان را طبقه‌بندی کنیم. این‌ها سرمایه‌های ملی هستند و نگذاریم در قالب دسته‌بندی‌های سیاسی متخصصان و تکنوکرات‌های ما آشفته و منزوی گردند.

۶- رقابت سالم، خون تازه‌ای در رگ‌های اقتصاد بازار است. با هدایت مدیران و نظارت عالیه، از خط خارج شده‌ها را به بستر اصلی برگردانیم.

۷- دارو با درمان مردم ارتباط تنگاتنگ دارد. با نظارت قوی از کیفیت مطلوب حمایت و دست‌اندرکاران آن را تشویق کنیم و پیوسته به دنبال شرایط تولید مناسب و روزآمد، با استانداردهای جدید جهانی باشیم و در غیر این صورت آسیب‌پذیر خواهیم بود.

دکتر علی منتصری